

« رویارویی با توطئه های امپریالیسم ، و در همبستگی با مبارزه خلق های جهان »

هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنفرانس احزاب کمونیستی - کارگری جهان

آتن : ۳۰ خرداد ماه - ۱ تیرماه ۱۳۸۱



شماره ۶۳۸ ، دوره هشتم
سال نوزدهم ، ۱۸ تیرماه ۱۳۸۱

آشکار دستگاه دولتی در کمک رسانی به قربانیان زحمتکش این فاجعه ، به پیشنهاد هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در آغاز بحث های سومین روز کنفرانس ، هیئت رئیسه کنفرانس شرکت کنندگان کنفرانس را به اظهار همبستگی فعال با مردم ایران دعوت کرد .

در صفحه ۸

کنفرانس احزاب کمونیست با قربانیان زلزله بوئن زهرا اظهار همدردی و همبستگی کرد .
هیئت رئیسه کنفرانس در بعد از ظهر روز شنبه همزمان با اعلام وقوع زلزله و تلفات وسیع انسانی آن ، توسط رسانه های گروهی ، از تریبون محل کنفرانس با قربانیان این فاجعه و زحمتکشان ایران اظهار همبستگی کرد .
نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در ابتدای سخنرانی خود در رابطه با زلزله و تلفات و خرابی های حاصله به مردم ایران تسلیت گفت . با مشخص شدن وسعت تلفات انسانی فاجعه زلزله بوئن زهرا وی کفایتی

گسترش اختیارات "مجمع تشخیص مصلحت" و تمکین به قانون

همانطور که از قبل زمزمه های آن شنیده می شد ، حرکت آرام و حساب شده ارتجاع برای محدود کردن ارگان هایی که لاقبل به صورت ظاهر هم شده ، توسط مردم انتخاب می شوند ، وارد مراحل اجرایی خود می گردد . مجمع تشخیص مصلحت نظام که در گذشته به عنوان يك ارگان واسط و برای رفع اختلاف حکومتیان توسط خمینی برپا گردید ، به موازات رشد و گسترش جنبش مردمی و شدت اختلافات حکومتیان ، و مشکلاتی که از این بابت گریبان مرتجعان حاکم را گرفته ، آنها را مجبور به این کرده تا با گسترش اختیارات یکی از ارگان های سرکوب خویش ، مفری برای مانورهای سیاسی در آینده پیدا کنند . مجید انصاری چندی پیش در مصاحبه با خبرنگاران از تلاش مرتجعان در این جهت خبر داد . وی با اشاره به اینکه مجمع تشخیص مصلحت ، آیین نامه اجرایی چگونگی نظارت بر عملکرد قوای سه گانه را تنظیم می کند ، گفت : "بند يك اصل ۱۱۰ قانون اساسی ، وظایف مقام رهبری

ادامه در صفحه ۲

به یاد ۱۸ تیر ، سالروز پیکار دلیرانه دانشجویان با مرتجعان حاکم

« هزاران دانشجوی خشمگین از یورش مزدوران ارتجاع در تهران ، تبریز ، رشت ، شیراز ، اهواز ، مشهد و شهرهای دیگر اعتراض گسترده خود را بر ضد رژیم و انصار استبداد اعلام کردند . . . طرح اصلاح قانون مطبوعات ، بستن روزنامه "سلام" ، و حمله مسلحانه به دانشجویان دانشگاه تهران ، همه بخشی است از نقشه واحد برای سرکوب جنبش مردمی و خاموش کردن صداهای مخالف . . . » (از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ، ۱۹ تیرماه ۱۳۷۸)
« رسیدگی به جنایات اخیر دانشگاه تهران و پرونده قتل و ترور دگراندیشان جز با رسیدگی به عملکرد نهاد "ولایت فقیه" به عنوان فرمانده کل نیروهای نظامی ، انتظامی و امنیتی ممکن نیست . . . همبستگی مردم با جنبش دانشجویی يك وظیفه درنگ ناپذیر و انقلابی است . . . خواست دانشجویان از جمله آزادی همه زندانیان سیاسی ، آزادی مطبوعات و رسیدگی به جنایات اخیر ، خواست همه نیروهای ملی و مترقی مین ماست . . . » (از اعلامیه شماره ۲ کمیته مرکزی حزب توده ایران ، ۲۱ تیرماه ۱۳۷۸) .
« حمله به مردم عادی ، مکان های عمومی و دامن زدن به جوی بی امنی و ارباب در روز سه شنبه ۲۱ تیرماه نقشه شوم نیروهای امنیتی و ارتجاع حاکم برای زمینه سازی سرکوب خونینی بود که سید علی خامنه ای فرمان آن را قبلاً نوشته بود . . . مردم به حق می پرسند که سکوت و حمایت ضمنی دولت خاتمی از عربه های "منکوب" و "مرعوب" کنید و "تکه تکه کردن" مخالفان چه معنایی جز هدم صلابی و همگام شدن با سرکوب و وحشیانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان می تواند داشته باشد . . . » (از اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران ، ۲۴ تیرماه ۱۳۷۸) .

جنبش مردمی از مدتها پیش از ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ ، نقشه سرکوب و درهم کوبیدن این نیروی مهم جنبش مردمی را تدارك دیده بود . ارتجاع با بهره وری از امکانات "قانونی" و ابزارهای "امنیتی" و سرکوبگرانه خود دانشجویان مبارز مین مای را به چالشی دشوار کشاند و در نبود همبستگی وسیع مردمی و عدم حمایت موثر سایر گردان های جنبش ، خصوصاً جنبش کارگری و زحمتکشان و در شرایط پشت کردن رهبری جبهه دوم خرداد و اکثریت قریب به اتفاق مدعیان اصلاحات توانست ضربات جدی را بر پیکر جنبش دانشجویی کشور وارد کند . دستگیری نزدیک به ۱۴۰۰ نفر از

سه سال از یورش مزدوران ارتجاع و ولی فقیه به دانشگاه های کشور می گذرد . سه سال پیش دانشجویان مبارز و آزادی خواه در اعتراض به بستن روزنامه "سلام" دست به اعتراض خیابانی زدند و در پی این اعتراض آرام مورد تهاجم انصار ولی فقیه و مزدوران مسلح نیروهای انتظامی قرار گرفتند .
حرکت شجاعانه جنبش دانشجویی ، در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ ، تجربه گرانبها و در عین حال دردناکی بود که جنبش مردمی می تواند و باید درس های مهمی از آن فرا بگیرد . ارتجاع حاکم با هراس شدید از جنبش دانشجویی به عنوان یکی از گردان های مهم ، فعال و نسبتاً سازمان یافته

ادامه در صفحه ۶

در این شماره

به سوی برگزاری موفقیت آمیز پنجمین

کنگره حزب توده ایران در صفحه ۳

"ارتقاء" آموزش پزشکی یا ادغام های بدون

برنامه ریزی ؟ در صفحه ۲

اصلاحات ساختار اقتصادی یا اجرای فرامین

صندوق بین المللی پول در صفحه ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی ، صلح ، استقلال ، عدالت اجتماعی و طرد رژیم « ولایت فقیه » !

"ارتقاء" آموزش پزشکی یا ادغام های بدون برنامه ریزی؟

ادامه گسترش اختیارات مجمع تشخیص . . .

مجلس شورای اسلامی، در تاریخ چهارشنبه ۲۹ خرداد، لایحه اصلاحی را به تصویب رسانید که بر اساس آن، بخش آموزش پزشکی از وزارت بهداشت و درمان جدا می شود و به وزارت علوم ملحق می شود. تصویب این اصلاحیه در مجلس موجب بحث و جدل های گوناگون و همراه با تشنجی گردید که از پیامدهای آن می توان به استعفای وزیر بهداشت و درمان، پزشکیمان، اشاره کرد. از هنگام تصویب این لایحه در مجلس تاکنون، تعداد زیادی از دست اندرکاران، دانشگاهیان و نمایندگان مجلس، نظرات موافق و مخالف خویش را در این رابطه به طرق گوناگون اعلام کرده اند.

دکتر معین، وزیر علوم، ادغام آموزش پزشکی در وزارت علوم را فرصتی دانست که باعث کیفیت و ارتقاء آموزش و پژوهش می شود و در این باره گفت: "در این زمان که نیاز جدی کشور به پزشک برطرف شده و به خاطر سیاست های غیر دقیق بخصوص در دانشگاه های غیر دولتی در تربیت بی رویه پزشک، با بحران "پزشکان جوان" و "افت کیفیت آموزش پزشکی" مواجه شده است، آن چیزی که باید سخت مورد توجه قرار گیرد، ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش پزشکی است." (ایسنا، ۱ تیرماه) شیرزاد نماینده مجلس در مطلبی که در همین ارتباط در روزنامه نوز ۳ تیر نوشت، با اشاره به طرح ادغام آموزش پزشکی در وزارت بهداشت در گذشته، می نویسد: "در کشور ما در شرایطی پیشنهاد ادغام آموزش پزشکی در سیستم بهداشت و درمان مطرح شد که کشور ما از سویی در شرایط ویژه جنگی قرار داشت و از سوی دیگر به شدت از کمبود پزشک و کادر پزشکی رنج می برد. در چنان شرایطی مهمترین استدلال ظرفداران طرح ادغام فوق که در صورت مذاکرات مجلس وقت مطرح گردیده، آن بود که ضروری است کلیه امکانات درمانی کشور و بیمارستان ها در جهت تربیت و آموزش پزشکی بسیج شود. "وی با ادعان به این مساله که با اجرای این طرح بهداشت مملکت ارتقاء یافت، در حمایت از مصوبه اخیر مجلس به بررسی نارسایی ها و معضلات طرح قبلی طی سال های گذشته پرداخته است. از جمله موارد مذکور که توسط وی به آن اشاره شده است، حجم گسترده اموری است که تماما به یک ارگان محول شده است که هم وظیفه آموزش و هم وظیفه بهداشت و درمان مردم را بر عهده دارد. جدا شدن رشته پزشکی از بدنه آموزش عالی کشور و تنزل کیفیت علمی و آموزشی از دیگر دلایل ذکر گردیده است.

مزروعی نماینده مجلس در حمایت از الحاق آموزش پزشکی به وزارت علوم گفت: "در حال حاضر تعداد پزشکان ما از استانداردهای دنیا بالاتر است، اما برای صادر کردن آنها نیاز به بازار داریم. پزشکی که از تخصص و آموزش بالایی برخوردار باشد، قطعا در داخل و خارج، بازار خود را پیدا می کند." (ایسنا، ۲ تیر) دکتر ملک زاده، وزیر سابق بهداشت با حمایت از مصوبه اخیر، گفت: "مساله درمانی وزارت بهداشت نه تنها باعث تنزل کیفیت آموزش پزشکی شد بلکه ساختار بیمارستان های آموزشی را نیز دگرگون کرد و اولویتی که باید به آموزش و پژوهش داده می شد عملا تحت الشعاع مساله درمان قرار گرفت، لذا با گذشت زمان، امروز شاهد هستیم که آموزش پزشکی به رشد و شکوفایی علمی مورد نظر نرسیده است و این نگرانی در صورت استمرار وضعیت فعلی، بیشتر می شود." (ایسنا، ۵ تیر) قیبل از اینکه به درج نظرات مخالفان این طرح پردازیم، تامل بر روی سخنان بالا، به روشن شدن مساله کمک خواهد کرد. دکتر معین از یک طرف بی نیازی کشور به پزشکان را مطرح می کند و از طرف دیگر مساله "افت کیفیت آموزش پزشکی" را دلیل موافقت خویش در حمایت از این طرح می داند. مساله اساسی که در این بحث ها به فراموشی سپرده شده اند این واقعیت است که با توجه به کیفیت پایین تحصیلی در کل کشور که محدود به رشته پزشکی هم نیست، هیچ تضمینی وجود ندارد که بعد از اجرای این طرح جدید کیفیت آموزشی پزشکی تغییر اساسی بکند. نگاهی به اظهارات مخالفان این طرح، همچنین نشان دهنده مسایل اساسی دیگری است که توجه به آنها ضرور به نظر می رسد. رئیس دانشگاه علوم پزشکی بهشتی در این باره هشدار داد و گفت: "الحاق دانشگاه های علوم پزشکی به وزارت علوم در بسیاری از شهرستان ها که دارای یک بیمارستان هستند، عملا پاسخگویی نظام سلامت را در قبال نیازهای درمانی شهرهای مذکور با مشکل مواجه ساخته و منجر به بروز تنش های اجتماعی در آینده خواهد شد." (ایسنا، ۴ تیر)

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز، اثر بسیار مخرب طرح جداسازی را بر مناطق محروم دانست و گفت: "علت بهبود وضعیت بهداشت و درمان در کشور، کاهش آمار مرگ و میر نوزادان و مادران در مناطق محروم و کنترل

در خصوص تعیین سیاست های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام را تعیین کرده است. لذا این سیاست ها پس از مشورت مجمع با رهبری و تایید ایشان اجرا می شود." (ایسنا، ۵ تیر) به گفته وی، این سیاست ها در دنیا در مراکز استراتژیک تعیین می شود، در ایران، رهبری اختیارات و سیاست های نظام را تعیین می کند، ولی نظارت بر اجرای سیاست ها را به مجمع تشخیص مصلحت واگذار کرده است و مجمع می خواهد با تدوین آیین نامه ای بر چگونگی اجرای این سیاست ها توسط قوای سه گانه نظارت کند. با توجه به تعیین نمایندگان این مجمع که تماما انتصابی هستند به خوبی می توان پی به اهداف ذوب شدگان برد. آنها تا جایی که می توانند با نظارت استصوابی شورای نگهبان، از ورود نمایندگان واقعی مردم جلوگیری می کنند و در صورتی که به دلیل فشار افکار عمومی و وضعیتی که طی چند سال گذشته گریبان آنها را گرفته، عملی شدن سیاست های آنان با چالش مواجه می شود، سد شورای نگهبان را در مقابل جنبش می گذارند. اقدامات اخیر مبنی بر هر چه قدرتمند کردن مجمع تشخیص مصلحت، بیشتر از آنکه نشان از خواست مصمم مرتجعان حاکم مبنی بر سرکوب جنبش مردمی داشته باشد، محدود شدن حیطه عمل آنها را نشان می دهد. همین موضوع عکس العمل هایی را به همراه داشته که اخیرا بیان شده است. میثم سعیدی، نماینده مجلس در مورد پیش نویسی که قرار است در این مورد توسط مجمع مذکور منتشر شود، گفت: "پیش نویس آیین نامه مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای نحوه نظارت بر ارکان نظام، به نوعی، تغییر قانون اساسی محسوب می شود. در حالی که تغییر قانون اساسی، فقط از طریق فرآیند امکان پذیر است، بنابراین قانون اساسی نمی تواند در حوزه اختیارات مجمع تشخیص نظام باشد." (ایسنا، ۱۵ تیر) داود سلیمانی نیز در همین ارتباط گفت: "هر نوع تصمیمی که به شیوه ای، قانون گذاری تلقی شود و بخواهد به حوزه قانون گذاری وارد شود، در صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی باشد." (ایسنا، ۱۴ تیر) هم سعیدی و هم سلیمانی با اینکه هر دو هدف از این اقدام را تحدید مجلس در آینده ذکر کرده اند، منتها هم چون گذشته در صدد اثبات این مساله هستند که اقدامات اخیر خلاف قانون اساسی است. البته مرتجعان با پیشدستی در این امر، بار دیگر چماق "قانون" را بر سر اصلاح طلبان حکومتی وارد آورده و در همین ارتباط در جوابیه بی که برای روزنامه نوز فرستاده و در ارتباط با مقاله چندی پیش این روزنامه است، می نویسد: "به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف و اختیارات رهبر را در یازده بند تعیین می کند، در بند دوم تصریح شده است که نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام از جمله وظایف و اختیارات رهبر است و در انتهای این اصل نیز تصریح شده است، بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند." (نوز، ۱۳ تیر) حال بار دیگر این سوال مطرح است، این ادعای مجمع مذکور که در غالب نامه بی به روزنامه نوز نوشته شده است، به صورت قانون وجود دارد یا نه؟ اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، سیاست "تمکین به قانون" که عمدتا از طرف اصلاح طلبان حکومتی مطرح شده است، چگونه می تواند راه گشای مشکلات انبوه کشور باشد. آیا می شود هم ادعای اصلاح طلبی کرد و هم به بهانه حمایت از قانون، تن به مواردی داد که تجسم عینی مقابله با خواسته های مردم است؟ این مساله از آن رو مطرح شود که قانون در رژیم ولایت فقیه، ابزاری است در دست ارتجاع برای سرکوب خواسته های مردم. تمکین به قانون در صورتی حربه ای موثر در دست جنبش می باشد که انعکاس دهنده خواسته ها و منافع عمومی باشد، نه سلاح عده ای محدود که از آن به نفع منافع ضد مردمی خویش استفاده می کنند. تلاش اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسلما چالش های جدی را در آینده به وجود می آورد که راه مقابله با آن، تکیه و تمکین به نیروهای مردمی است نه تمکین به قوانین ضد مردمی.

به سوی برگزاری موفقیت آمیز پنجمین کنگره حزب توده ایران

رفقا، اعضاء، هواداران و دوستان حزب! کمیسیون تدارك اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران، با باز بینی اسناد چهارمین کنگره، کار ویرایش جدید طرح برنامه و اساسنامه حزب را برای نظر خواهی اعضاء، هواداران و دوستان حزب به پایان رسانده است.

طرح جدید برنامه و اساسنامه حزب، به همراه طرح سند ارزیابی سیاست حزب در سال های پس از انقلاب، که قبلا به عنوان طرحی اولیه برای نظر خواهی مورد تأیید پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار گرفته بود، در مجموعه واحدی، در صفحات حزب توده ایران بر روی شبکه جهانی اینترنت منتشر می شود.

از همه رفقا، اعضاء، هواداران و دوستان حزب انتظار داریم که با بررسی دقیق این اسناد نظرات و پیشنهادات اصلاحی خود را برای بحث در پنجمین کنگره حزب توده ایران تا مهرماه ۱۳۸۱ از کانال های سازمانی و یا از راه های دیگر ارتباطی در اختیار کمیسیون تدارك کنگره قرار دهند.

کمیسیون تدارك کنگره ۱۰ تیرماه ۱۳۸۱

ادامه اصلاحات ساختار اقتصادی یا . . .

از بین می برد . . . " (به نقل از اطلاعات بین المللی، ۲۲ خرداد ۱۳۸۱).

نکته جالب در تمامی این موضع گیری ها این واقعیت است که برای سران رژیم و اعوان و انصارشان تنها مسأله بی که مطرح نیست و اهمیت ندارد حقوق کارگران و زحمتکشان و ثمرات فاجعه بار کنونی بر حیات اقتصادی کشور است. فقر و محرومیت گسترده، بیکاری فزاینده و روند زوال تدریجی تولید داخلی در کنار تشدید وابستگی اقتصادی کشور از جمله مصایبی هستند که به دلیل سیاست های گذشته و کنونی حاکمیت گریبان جامعه ما را گرفته اند. حل این معضلات با تغییر اساسی در سمت گیری اقتصادی به سمت سیاست های مردمی امکان پذیر است و نه با تلاش در راه تأمین منافع کلان سرمایه داری داخلی و انحصارهای بین المللی. طبقه کارگر ایران و زحمتکشان باید با استفاده از همه امکانات موجود مخالفت خود را با سیاست های کنونی اعلام کنند و با سازماندهی مبارزه و مقاومت در برابر چنین سیاست هایی اجرای آنها را با دشواری روبه رو کنند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

موجود جستجو کرد، بلکه سیاست گذاری های تکنونی در این مورد عامل مهمی به شمار می آید. آن چیزی که در باب این مقوله حایز اهمیت است این است که، با توجه به ماهیت تاریک اندیش رژیم و ولایت فقیه، اصولا هرگونه خوشبینی نسبت به ارتقاء کیفیت آموزشی در هر رشته ای، خوش خیالی بیش نیست. تجربه بیش از بیست و سه سال حکومت و وضعیت آموزشی کشور از مقاطع پایین تا بالا، شاهدهی است بر این مدعا. بنابراین اظهار نظر در مورد مصوبه اخیر مجلس و ارایه راه کارهای عملی در این جهت ضمن اینکه نیازمند کار کارشناسی گسترده و عمیق است، با توجه به دلیل ذکر شده، بیهوده خواهد بود. اما آن چیزی که باید با حساسیت مورد پیگیری قرار گیرد، تاثیرات منفی است که نصیب زحمتکشان میهن خواهد گردید. در چارچوب سیستم کنونی، زحمتکشان میهن مان قادر هستند به حداقلی از نیازهای خود دست یابند. این مسأله بخصوص در مناطق محروم که امکانات درمانی محدود وجود دارد حایز اهمیت است. با توجه به تلاش دولت برای تحویل بیمارستان ها به بخش خصوصی، فشار مضاعفی بر قشرهای پایین جامعه را وارد می شود. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی خراسان آمارهای در این باره ارایه می دهد که جالب توجه است. وی می گوید: "اگر بخواهد این انتزاع صورت بگیرد، حدود ۴۰ هزار تخت بیمارستانی که در خدمت دانشگاه علوم پزشکی است از وزارت بهداشت منفک می شود و باید فکری برای آنها بشود و آن شاخص هایی که برای هر بخش آموزش هست، باید بوجه هایش بیان شود که این برای دولت بار مالی دارد" (ایسنا، ۱۲ تیر).

مسأله دیگر که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، عدم توانایی مالی دولت در تأمین هزینه های درمانی مردم به دلیل اتخاذ سیاست های تعدیل اقتصادی است. نتیجه این امر آن بوده که در قالب طرح "خودگردانی بیمارستان ها" فشار به مردم منتقل شود و دولت از زیر بار این مسئولیت حیاتی شانه خالی کرده است. رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکتر باستان حق، مهم ترین معضل بیمارستان ها را کمبود بودجه دانست و گفت: "سیستم از لحاظ مالی بسیار به نهادهایی همچون تأمین اجتماعی و ارتش که طلب بیمارستان ها و سیستم درمانی را نمی پردازند، وابسته است و به همین دلیل بیمارستان های ما به صورت گداخانه اداره می شوند، اما از لحاظ آموزشی در بالاترین سطح ممکن می باشند" (ایسنا، ۵ تیر). با تجزیه و تحلیل مسایل بالا می توان به خوبی به این نکته پی برد که جاروجنگال اخیر بر سر همه چیز می باشد به غیر از کیفیت آموزش پزشکی و اجرای چنین طرحی که مخالفت های گسترده را نیز به همراه داشته است حتی در صورتی که منجر به نتایج بهتری هم بشود، نیازمند پیش زمینه هایی است که نگاه و توجه اساسی به نیاز روزمره و حیاتی قشرهای آسیب پذیر جامعه، از اولویت های آن می باشد.

ادامه ارتقاء آموزش پزشکی یا . . .

اغلب بیماری های رایج در کشور به خاطر این است که علم پزشکی وارد عرصه شده است. "ایسنا، ۴ تیر" سخنان رئیس دانشکده دندان پزشکی علوم پزشکی تهران، از این نظر جالب است که کمک می کند، گوشه یی از نارسایی های موجود و ریشه های آن را یافت. وی می گوید: "اگر در زمانی که انتزاع صورت می گرفت یک روند مشخص و تعیین شده بی را طی می کردیم، اکنون به گونه ای نبود که به خاطر ازدیاد پزشک و دندانپزشک، مجبور به بازگشت به حالت قبلی باشیم." (ایسنا، ۴ تیر) وی با اشاره به وجود دانشکده های پزشکی با ظرفیت ۱۵ تا ۲۰ نفر در فواصل کم که آن را ناشی از نفوذ سیاسی افراد می داند، می گوید: "اگر نتوانیم بر جو سازی های سیاسی غلبه کرده و تسلیم کار کارشناسی شویم، مشکلات موجود در ساختار وزارت علوم نیز ادامه خواهد یافت."

با اینکه سعی فراوان می شود، اصلاحیه جدید مجلس به بهانه "ارتقاء و کیفیت آموزش" توجیه شود، از میان سخنان مسؤلان درجه یک رژیم می توان تا اندازه ای به نیات واقعی این طرح پی برد. پزشکیمان، وزیر بهداشت که استعفاي خویش را اعلام کرده است، گفت: "این طرح در هیات دولت اصلا و کاملا رد شده بود و دولت مخالف آن بود و در خود کمیسیون های آموزش و بهداشت مجلس نیز این طرح رد شده بود، ولی نمی دانم چطور شد که در صحن علنی مجلس نمایندگان به این طرح رای دادند و در حقیقت این طرح نیست، يك پیام است که بهداشت و آموزش پزشکی به وزارت علوم الحاق شود، ولی اینکه در این میان آموزش پزشکی چیست، چه مقصداری از آن باید الحاق شود، برای بیمارستان های آموزشی چه اتفاقی می افتد و در مناطق محروم وضع چگونه خواهد بود و یا دانشگاه ها را تعطیل کنیم یا مراکز درمانی را، سئوالاتی است که در این زمینه وجود دارد که باید بنشینند، جواب دهند و طراحی کنند که همه اینها هزینه سنگینی دارد" (ایسنا، ۱۲ تیر).

کاملا محرز است، که وضعیت درمان و بهداشت در کشور ما و بخصوص برای قشر زحمتکش آن، در سطح پایین و هزینه بر است. بر خلاف نظریاتی که معتقد است جدایی مذکور منجر به ارتقای کیفی آموزش پزشکی می شود، باید اذعان کرد که تلفیق کار عملی و تئوری، بخصوص در رابطه با آموزش پزشکی، نه تنها باعث تنزل آموزش نمی شود بلکه بر عکس، در رشد کمی و کیفی آن موثر خواهد بود. این واقعیت که وضعیت بهداشت و درمان کشور در طول سالیان اخیر افت کرده است را نیز باید به عنوان يك واقعیت قبول کرد. اما اینکه به چه دلایلی این معضلات بروز کرده است را، نباید در اتخاذ روش های

اصلاحات ساختار اقتصادی یا اجرای فرامین صندوق بین المللی پول

معاون وزیر اقتصادی: "مزیت های بازار کار ایران مانند نیروی کار متخصص و ماهر و ارزان، برای سرمایه گذاران خارجی اشتها برانگیز است . . ."

معاون بانک مرکزی: "ترمش در اجرای قانون کار در سطوح کارگاه های کوچک [خروج کارگاه های کمتر از پنج نفر از شمول قانون کار] از دیگر مواردی است که در جهت تشویق سرمایه گذاری صورت گرفت . . ."

عدم حمایت مرکزی و واردات خارجی لطمات جدی خورده است) همچنین به روند تشدید بیکاری و فقر و محرومیت نیز دامن خواهد زد. تجربیات گوناگون کشورهای مختلف، از جمله کشورهای همجوار مکزیک نشان داده است که سرمایه خارجی هیچ علاقه بی به باروری و گسترش تولید ملی ندارد و تنها هدفش سود کلان با هزینه کم است. ورشکستگی کامل اقتصادی کشورهای همجوار مکزیک و آرژانتین، با میلیارد ها دلار بدهی خارجی و ساختار اقتصادی بی عمیقاً وابسته به انحصار های سرمایه داری تجربه تکان دهنده و دردناکی است که دولت مردان ایرانی و خصوصاً کسانی که مدعی دفاع از حقوق مردم اند باید از آن بیاموزند. سخنان و اظهار نظرهایی همچون نظریه معاون وزیر اقتصاد که می گوید: "مزیت های بازار کار ایران مانند نیروی متخصص و ماهر ارزان برای سرمایه گذاران خارجی اشتها برانگیز است . . ." سخنان غیر مسئولانه بی است که سرمایه گذاران خارجی را به استثمار کارگران ایرانی فرامی خواند.

معاون وزیر اقتصاد در شرایطی این سخنان را اظهار می کند که هزاران کارگر میهن ما در اعتراض به سیاست هایی از همین دست در سراسر کشور خواهان تغییر بنیادین سیاست های حاکم اند. به عنوان نمونه در ۴ خرداد ۱۳۸۱ بیش از ۶۰۰۰ کارگر گروه صنعتی ملی در تهران پنجمین روز اعتصاب خود را برگزار می کردند. اتفاقاً بخشی از خواست های کارگران عبارت بود از: جلوگیری از خصوصی سازی، مخالفت با تغییر زمان کار و افزایش آن، مخالفت با اصلاح قانون کار به نفع منافع سرمایه داران و در واقع مخالفت با همه آن سیاست هایی که رژیم در شرایط کنونی در عرصه اقتصادی به پیش می برد.

سیاست های کنونی و سمت و سوی آن در راستای گزارشی است که هیئت مدیره صندوق بین المللی پول در گزارش سالانه خود (در سال میلادی ۲۰۰۱) طرح کرده است و از دولت جمهوری اسلامی خواستار اصلاح ساختار اقتصادی ایران در راستای گسترش خصوصی سازی و تأمین امنیت سرمایه داخلی و خارجی و از بین بردن قوانین دست و پا گیر (همچون قانون کار) شده است.

گفتنی است که بار عمده سیاست های غلط و ضد ملی اتخاذ شده در عرصه اقتصادی بر دوش طبقه کارگر و زحمتکش میهن ماست. حزب ما از همان آغاز تدوین و تصویب برنامه سوم توسعه صراحتاً یاد آور شده بود که یکی از اصلی ترین هدف های سمت گیری اقتصادی-اجتماعی کنونی مهیا کردن نیروی کار ارزان و مطیع برای سرمایه خارجی و انحصارهای امپریالیستی است. طرح و تصویب لوایحی همچون خروج کارگاه های کمتر از پنج نفر از شمول قانون کار، طرح یکسان سازی نرخ ارز و برنامه مدون خصوصی سازی همگی به سان حلقه های يك زنجیره به هم پیوسته اند و رشته اصلی برنامه های رژیم را تشکیل می دهند. معاون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی با صراحت درباره ضروریات سیاست های کنونی چنین می گوید: "بانک مرکزی با اجرای یکسان سازی نرخ ارز که مقدمات آن از سه سال پیش آغاز شده و سه ماه است که با موفقیت به طور رسمی اجرا می شود، زمینه را برای جذب سرمایه خارجی فراهم کرده است . . . اکنون آمادگی در سطوح مختلف کشور برای اصلاح قوانین و مقررات در جهت شفاف سازی و تشویق سرمایه گذاری ایجاد شده است . . ." وی سپس افزود: "ترمش در اجرای قانون کار در سطوح کارگاه های کوچک از دیگر مواردی است که در جهت تشویق سرمایه گذاری صورت گرفت. آغاز بازبینی قانون کار که به طور جدی در هیأت دولت بر آن تأکید شده نگرانی هایی را که از ناحیه قانون کار [برای سرمایه داران] وجود دارد

اصلاحات اقتصادی در چارچوب برنامه سوم توسعه، که توسط رژیم ولایت فقیه به عنوان یگانه راه حل مشکلات برای برون رفت از بحران اقتصادی کشور معرفی می گردد با شتاب هرچه بیشتر در حال اجرا و پیاده شدن است. در جریان میزگرد "بررسی سیاست های پولی و بانکی" که روز یکشنبه ۱۹ خرداد برگزار شد طهماسب مظاهری، وزیر اقتصاد و دارایی با تأکید بر تعهد دولت مبنی بر انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد کشور، آنچنان که در گزارش سالانه صندوق بین المللی پول قید شده بود، یاد آور شد: "اجرای سیاست اصلاحات در ساختار اقتصادی ادامه خواهد یافت. این برنامه باید هماهنگ و یکنواخت پیش رود تا کل برنامه ها به نتیجه برسند . . ." برنامه موسوم به اصلاحات ساختار اقتصادی از جمله مواردی است که بنا به دستور صندوق بین المللی پول در برنامه سوم توسعه گنجانده شده و محتوی اصلی این برنامه را در بر می گیرد. خصوصی سازی به ویژه در صنایع کلیدی مانند نفت، گاز و پتروشیمی، تأسیس بانک های خصوصی، اجازه فعالیت بیمه خصوصی داخلی و خارجی و تأمین امنیت سرمایه از مهمترین مفاد برنامه سوم توسعه قلمداد می شود. اولویت و اهمیت این برنامه برای سران رژیم ولایت فقیه تا به آن درجه است که محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در مراسم گشایش نخستین همایش بین المللی "ایران، ترانزیت، فرصت ها و چالش ها"، که در روز ۲۱ خرداد در تهران برگزار شد، ضمن بر شمردن مزیت های ایران به عنوان راه مطمئن اتصال شرق و غرب به یکدیگر از جمله گفت: "اینک ایران سومین سال اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی خود را طی می کند . . . سیاست ها و برنامه های ما در این مسیر روشن است و بر مواردی از این دست تکیه دارد: خصوصی سازی و مشارکت سرمایه داخلی و خارجی در فعالیت های حمل و نقل و تأسیسات زیر بنایی . . ."

افزون بر این سخنان سید محمد خاتمی، رفسنجانی، به عنوان یکی از سخنگویان برجسته کلان سرمایه داری ایران، به هنگام بحث در زمینه قانون جلب و حمایت از سرمایه خارجی در مجلس تشخیص مصلحت این قانون را راه گشای مشکلات بی شمار اقتصادی ایران دانست و محسن رضایی اعلام کرد: "حتی شرکت هایی که تابعیت معینی ندارند و عملاً بین المللی به حساب می آیند هم می توانند در جمهوری اسلامی سرمایه گذاری کنند . . . به محض ابلاغ این مصوبه به دولت، سرمایه گذاری خارجی بر اساس این مصوبه آغاز می شود . . ." (ایرنا، ۴ خرداد ۱۳۸۱).

بر پایه این قانون جدید دولت جمهوری اسلامی موظف به تضمین اصل و سود سرمایه است. بر این اساس انحصار های فراملی می توانند در هر عرصه بی که بخواهند در ایران سرمایه گذاری کنند و دولت موظف به تأمین همه جانبه اصل سرمایه و سود آنهاست. همچنین انحصارهای فراملی ضمن اینکه از معافیت های وسیع مالیاتی بهره مند خواهند بود، می توانند سرمایه و سود حاصله از آن را با محاسبه نرخ بازار در هر شرایطی از کشور خارج کنند.

برنامه اصلاح ساختار اقتصادی که قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی در مرکز آن قرار دارد افزون بر لطمه زدن به تولید ملی (که به دلیل

ادامه رویارویی با توطئه های امپریالیسم . . .

امپریالیست ها بر هر جنبش مقاومتی که بر ضد «جهانی شدن» سرمایه داری و تصمیم های ضد مردمی نهاد های بین المللی سرمایه داری (نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا) مبارزه می کند، جنبش های ضد امپریالیستی که بر ضد مداخلات و جنگ های امپریالیستی و بر ضد ناتو مبارزه می کنند، و همچنین همه جنبش های اجتماعی و آزادیبخش ملی و آثانی که بر ضد دیکتاتوری و رژیم های فاشیستی مبارزه می کنند، تهمت حمایت از تروریسم می زنند.

احزاب شرکت کننده در کنفرانس تروریسم را به مثابه امری که فقط ارتجاعی ترین، ضد انسانی ترین، نژاد پرست ترین نیروهای امپریالیستی که با خلق ها دشمنی دارند، از آن نفع می برند، محکوم کردند. آن ها به طور همزمان حمایت خود از مبارزه خلق ها و جنبش های اجتماعی و استقلال ملی اعلام کردند.

شرکت کنندگان کنفرانس جنگ بر ضد افغانستان، تهدید به گسترش جنگ، بیابنه های بوش در مورد «محور اهریمنی»، تهدید به استفاده از سلاح های اتمی و شتاب بخشیدن به برنامه های تسلیحاتی و از جمله سیستم «سپرموشکی سراسری» را محکوم کردند. نظامی کردن روابط بین المللی مشخصه های خطرناک تری به خود گرفته و خطر درگیری های جدید در زیر فشار رقابت ها و مداخلات در حال افزایش است.

ناتو، با دکتترین جدید خود و توسعه قلمرو عملکردش خود را به یک پلیس جهانی به رهبری آمریکا بدل می کند. احزاب شرکت کننده تاکید کردند که تمامی بشریت از سوی امپریالیسم با طرح خطرناکی مواجه است که صلح، امنیت و ثبات را در بسیاری از مناطق کره زمین تهدید می کند.

تشدید تهاجم امپریالیستی به بهانه «مبارزه با تروریسم» در شرایط بالا گیری بحران اقتصادی در مراکز امپریالیستی، خود را فقط به روابط بین المللی و بخش نظامی محدود نمی کند، و بلکه تمامی عرصه های زندگی اجتماعی را در بر می گیرد. این امر تغییرات ساختاری سرمایه داری را هم در رابطه با اقتصاد و هم در رابطه با استاندارد زندگی کارگران تسریع می کند. وضعیت کنونی جهان حقوق و دستاورد های کارگران را مورد تهدید قرار می دهد، سیستم سیاسی کشورها را مورد تاثیر قرار داده است و شرایط رشد مشخصه های سیاسی-ایدئولوژیک ارتجاعی را در فرهنگ جوامع فراهم می کند. امپریالیسم جهانی چارچوب ساختاری جدید و ارتجاعی تری را بنا نهاده است که آزادی و حقوق پایه ای خلق ها را زیر پا گذاشته و مکانیزم های سرکوبگرانه جدیدی را به کار می گیرد.

بسیاری از سخنرانان این واقعیت امیدوار کننده را که بر رغم تهاجم رشد یابنده امپریالیسم در دوره پس از ۱۱ سپتامبر، تظاهرات و مقاومت خلقی در تعدادی از کشورها رشد کرده است، مورد تاکید قرار دادند.

بسیج بر ضد جنگ امپریالیستی بر ضد مردم افغانستان و همچنین مخالفت با مداخلات جدید بر ضد مردم عراق و دیگر کشورهایی که امپریالیسم آمریکا آن ها را در «محور اهریمنی» قرار داده است، ابعاد وسیعی گرفته است.

شرکت کنندگان حمایت خود از مبارزه مردم فلسطین را مورد تاکید قرار داده و مهر تروریستی زدن به این مبارزه را مردود شمردند و اشغالگری اسرائیل را به عنوان منبع خشونت در منطقه ارزیابی کردند. اظهار همبستگی با مبارزه بر حق مردم فلسطین برای دستیابی به استقلال و کشوری واقعی که پایتخت آن بیت المقدس شرقی است، رساتر شده و در سراسر جهان گسترش یافته است. شرکت کنندگان در کنفرانس اشغال ادامه یابنده اراضی سوریه و لبنان را محکوم کرده و خواستار عقب نشینی بی قید و شرط نیروهای اسرائیلی از این مناطق و بازگشت همه پناهندگان فلسطینی بر اساس قطع نامه های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۱۹۴ سازمان ملل متحد شدند.

بسیاری از سخنگویان نیاز به تلاش فزون تر برای حمایت از این مبارزه در کشور های خود و همچنین ضرورت سازمان دهی بازدید هیئت های همبستگی از اراضی اشغال شده توسط اسرائیل و هم چنین مناطق خودگردان فلسطینی را مورد تاکید قرار دادند. شرکت کنندگان بطور قاطع خشونت آشکار توسط دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی فلسطینی و دستگیری های جمعی و زندانی کردن فلسطینی ها و از جمله کادر های برجسته جنبش آزادیبخش فلسطین را محکوم کردند. نیاز به یک کارزار وسیع برای آزادی آن ها مورد تاکید قرار گرفت و از ابتکار ایجاد یک «سپر انسانی» در فلسطین در روز ۲۸ ژوئن حمایت شد.

شرکت کنندگان نگرانی خود از ادامه نقض اصول و قطعنامه های سازمان ملل و قانون بین المللی را ابراز کردند.

تعداد قابل توجهی از سخنرانان در کنفرانس به مواردی اشاره کردند که نشان دهنده بیداری و روح مبارزه و مقاومت در جنبش کارگری و سندیکایی

ایران، عراق، سودان، لیبی و بسیاری کشورهای دیگر در لیست آمریکا قرار دارند. . . . از مبارزه بر ضد تروریسم نباید به مثابه بهانه ای برای تشدید نظامی گری و توسعه بیشتر «نظم نوین جهانی» در منطقه استفاده شود. نیروهای مترقی حق دارند که در رابطه با تحولات اخیر نگران باشند. «

نماینده حزب مان در بخش انتهایی سخنرانی خود هرگونه تلاشی از سوی ایالات متحده و متحدان آن را برای دخالت در اوضاع داخلی کشورمان مردود شمرد و اشاره کرد که روند ایجاد تحولات دموکراتیک در میهن و پایان دادن به حاکمیت ترور و سرکوب در ایران «فقط با عزم و اراده مردم میهن ما انجام خواهد گرفت و نه با مداخله خارجی. . .»

نماینده حزب مان اهمیت ایجاد محمل ها و شرایط اتخاذ سیاست های مبارزاتی مشترک و هماهنگی عملی احزاب کمونیستی- کارگری جهان را مورد تاکید قرار داد. سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با اشاره به ضرورت ایجاد یک جبهه متحد نیروهای مترقی برای صلح و عدالت اجتماعی و کوشش های هدفمند حزب توده ایران در راستای این مهم به پایان رسید. سخنگوی هیئت نمایندگی حزبمان همچنین در بحث های کنفرانس درباره لزوم اتخاذ مواضع مشخص و دقیق در رابطه با تروریسم و مردود بودن شیوه های عمل تروریستی از سوی نیروهای ترقی خواه و کمونیست و ضرورت توجه ویژه به اوضاع حساس جهان و آمادگی نیروهای امپریالیسم به تعرض و مداخله گری نظامی در روند اتخاذ شیوه های عمل و مبارزه هشدار داد. نمایندگان تعدادی از احزاب برادر در سخنان خود از مواضع نماینده حزب توده ایران اعلام حمایت و لزوم انعکاس آن را در بیانیه نهایی کنفرانس گوشزد کردند.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران هم چنین در حاشیه کنفرانس و در جریان ملاقات های دو جانبه و چند جانبه با احزاب برادر، با توضیح و تحلیل آخرین تحولات و شرایط مبارزه زحمتکشان میهن، آن ها را نسبت به شرایط دشوار رخدادهای کشور و ضرورت همبستگی جهانی با مبارزه مردم ایران برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی مطلع کرد. تمامی هیئت های نمایندگی شرکت کننده در کنفرانس از طریق پخش ترجمه اسناد اصلی حزب و از جمله تحلیل سیاسی آخرین پلنوم کمیته مرکزی و مقالات منتخب از «نامه مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، در جریان موضع گیری های حزب توده ایران قرار گرفتند. در جریان کنفرانس همچنین در رابطه با امر گسترش روابط دو جانبه جلسات تبادل نظر با نمایندگان رهبری احزاب کمونیست ونزوئلا، سودان، عراق، سوریه، ترکیه، لبنان، جمهوری چک، بلغارستان، ایالات متحده، استرالیا، کانادا، مکزیک، کلمبیا، یونان و قبرس برگزار شد.

بیانیه مطبوعاتی کنفرانس احزاب کمونیست- کارگری جهان

آتن: ۲۱ خرداد ماه- ۱ تیرماه ۱۳۸۱

اجلاس بین المللی احزاب کمونیستی- کارگری جهان از تاریخ ۳۱ خردادماه تا اول تیر ماه سال جاری در آتن تحت عنوان: «وضعیت نوین جهانی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» برگزار شد. ۶۲ حزب کمونیستی- کارگری از هر پنج قاره جهان در این اجلاس شرکت کردند. تعدادی از احزاب کمونیست به رغم اظهار تمایل به شرکت به دلیل وضعیت ویژه در کشور های متبوعشان نتوانستند مستقیماً در کنفرانس شرکت کنند و با ارسال پیام های همبستگی و شادباش و ارائه ارزیابی های خود به صورت مکتوب، که در اسناد نهایی کنفرانس منتشر خواهند شد، همراهی و حمایت خود را از آن اعلام کردند.

در طول سه روز اجلاس تبادل خلاقانه نظرات در رابطه با اوضاع جهانی و تجربیات گران بها از مبارزه خلق ها و جنبش های توده ای در کشور هایشان ارائه شد. در ارزیابی تحولات بین المللی، شرکت کنندگان عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر را محکوم کردند. آن ها همچنین به طور صریحی وسعت گیری خطرناک تجاوزگری ایالات متحده و ناتو را و اقدامات تروریسم دولتی که متعاقب ۱۱ سپتامبر صورت گرفت محکوم کردند.

شرکت کنندگان در کنفرانس اعلام کردند که همه خلق ها و جنبش های مردمی شان بدلیل سلط جهانی بالقوه سرمایه داری انحصاری- تحت رهبری ایالات متحده، در معرض خطر هستند. احزاب حاضر در کنفرانس همچنین اشاره کردند که حوادث ۱۱ سپتامبر به مثابه دستاویزی برای آغاز یک تهاجم بی سابقه بر ضد آزادی ها و حقوق مردم به بهانه اعلام جنگ بر ضد تروریسم مورد بهره برداری قرار گرفتند.

ادامه به یاد ۱۸ تیرماه . . .

کادرا و فعالان موثر جنبش دانشجویی، تشدید حضور نیروهای امنیتی در دانشگاه های کشور و فشار از درون برای از هم پاشیدن تشکل های دانشجویی در کنار برپایی بیدادگاه های قضایی برای صدور احکام جابرانه بر ضد دانشجویان آزادی خواه از جمله اقداماتی بود که در سکوت تسلیم طلبانه دولت اصلاحات و رهبری جبهه دوم خرداد بر ضد جنبش دانشجویی کشور سازمان دهی شد.

بیدادگاه های قوه قضائیه در حالی که دانشجویان مبارز را به سال های طولانی زندان و "تعزیر اسلامی" محکوم کردند جنایتکارانی همچون لطیفیان را تبرئه و به سبب "خدماتش به اسلام" و "ولی فقیه" مورد تقدیر قرار دادند.

در سه سال گذشته روزی نبوده است که مرتجعان حاکم به بهانه های مختلف دانشجویان را مورد آزار و اذیت قرار ندهند. در سه سال گذشته همچنین مرتجعان حاکم با بهره برداری از همکاری شماری از مدعیان اصلاحات همان طوری که "وزیر اطلاعات" خواسته بود کار "پاکسازی" عناصر "غیر خودی" از تشکل های دانشجویی را آغاز کردند و در انتها با ایجاد تفرقه و انشعاب در "دفتر تحکیم وحدت" و دیگر انجمن های دانشجویی دشواری های زیادی را بر سر راه فعالیت سازمان یافته دانشجویان ایجاد کردند.

امسال دانشجویان سراسر کشور در وضعیتی به استقبال ۱۸ تیرماه می روند که وزارت کشور اجازه هرگونه فعالیتی در بزرگداشت این روز را از آنان دریغ کرده است، هنوز شمار زیادی از فعالان جنبش دانشجویی در چنگال مزدوران و شکنجه گران رژیم اسیرند و علی افشاری، از فعالان جنبش دانشجویی به رغم پایان یافتن دوران محکومیتش به بهانه و شکایت های ارگان های مزدور رژیم همچنان در زندان به سر می برد.

در هفته های اخیر شاهد آغاز کارزار جدیدی از تهاجم تبلیغاتی و فیزیکی بر ضد مراکز دانشگاهی کشور هستیم. مزدوران و تاریک اندیشانی همچون عسگر اولادی، دانشگاه های کشور را به ترویج ابتدال متهم می کنند و مرتجعانی همچون مصباح یزدی و شرکایش در شورای نگهبان خواهان برخورد قاطع نیروهای امنیتی با منتقدان "ولایت" اند و در عین حال چماق داران و انصار ولی فقیه به فرمان امامان جمعه ذوب شده در ولایت، قمه بر کمر بسته به همایش ها و نشست های مختلف دانشجویی و سیاسی حمله می برند تا بیش از پیش جو رعب و وحشت را در کشور

بگسترانند.

مسئله ریشه یابی حرکت دانشجویی در ۱۸ تیرماه و عکس العمل ارتجاع در ابعاد گوناگون مورد بررسی و موشکافی قرار گرفته است و برخلاف تحلیل های رایج در آن روزها و از جمله محکوم کردن دانشجویان مبارز به تند روی امروز کمتر کسی را می توان یافت که نداند ارتجاع به چه دلیل و با چه اهداف پلیدی این نقشه شوم را به مرحله اجرا در آورد. دکتر محسن رهامی، وکیل مدافع دانشجویان، در پرونده کوی دانشگاه در زمینه ریشه این حوادث به درستی اشاره کرد که: "نقش دانشگاه در پیروزی جنبش دوم خرداد و حضور آن به عنوان سنگری در مقابل حرکت های تمامیت خواه، نوعی کینه را در جریان های مخالف اصلاحات نسبت به آن ایجاد کرده بود. مسئله دیگر، زمینه سازی هایی بود که مدتی در سطح کشور و از سوی برخی تربیون های رسمی فراهم می شد که به نوعی توجیه خشونت، تئوری بافی برای خشونت طلبی و حتی تقدیس خشونت بود. . . . نکته مهم اینکه با گذشت سه سال از ۱۸ تیرماه "حتی یک نفر به عنوان عامل و آمر حمله مجازات نشده است. . . ." (به نقل از خبرگزاری ایسنا، ۱۵ تیرماه ۱۳۸۱).

اما بررغم همه تلاش های مرتجعان حاکم برای سرکوب جنبش دانشجویی، جوانان و دانشجویان کشور با درس آموزی از تجربیات گذشته و با دقت و هوشیاری به نبرد خود بر ضد استبداد ادامه می دهند. این مبارزه بخش جدا ناپذیری از حرکت عمومی خلق بر ضد استبداد است که دیر یا زود به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید. تجربه ۱۸ تیر همچنان به دانشجویان آموخت که نمی توان با اتکا به زدوبندهای پشت پرده جناح های مختلف حکومتی، که در نهایت خواهان حفظ "نظام کنونی" اند امر تحقق آزادی و حقوق مردم را به پیش برد. همین تجربه می آموزد که تنها با سازمان یافتگی مستقل، هماهنگی و اتحاد عمل با سایر گردان های جنبش اجتماعی است که می توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی وادار کرد.

ما در سالگرد ۱۸ تیرماه ضمن ابراز همبستگی با دانشجویان و جوانان مبارز میهن مان خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه دانشجویان زندانی و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی ایران هستیم. مبارزه برای به پای میز عدالت کشاندن مسببین و جنایتکاران حادثه ۱۸ تیرماه بخشی از مبارزه مردم ما در راه اصلاحات و طرد رژیم استبدادی حاکم است و حزب توده ایران به همراه همه نیروهای مترقی و آزادی خواه در این نبرد در کنار دانشجویان و جوانان کشور قرار دارد.

ادامه رویارویی با توطئه های امپریالیسم . . .

و تقویت حضور نیروهای مبارز طبقاتی در درون این جنبش است که به توسعه مبارزات جدید برای مطرح کردن خواسته های آنان انجامیده است. همچنین نیاز به توسعه فعالیت در کارخانه ها و مراکز کاری و تقویت حضور نیروهای طبقاتی در جنبش کارگری - سندیکایی مورد تاکید قرار گرفت.

احزاب حاضر در کنفرانس نیاز به اتخاذ يك سياست فعال حمايت و پشتيباني متقابل در بين احزاب کارگری - کمونیستی و بطور کلی در میان جنبش های مردمی را مورد تاکید قرار دادند. تعدادی از سخنگویان ضرورت حمایت از اینکارها و کارزار هایی که از سوی تعدادی از احزاب کارگری - کمونیستی سازمان داده شده را متذکر شدند. از جمله چنین ابتکاراتی موارد ذیل مطرح شد:

❖ کارزار بسیج بین المللی برای آزادی ۵ میهن پرست کوبایی که به جرم مبارزه با گروه های تروریست در میامی، در ایالات متحده زندانی هستند و همچنین کارزار برای لغو محاصره اقتصادی کوبا از طرف آمریکا.

❖ کارزار مخالفت با توسعه ناتو در ماه نوامبر در پراگ که به ابتکار حزب کمونیست بوهیمیا و مورواویا سازمان دهی شده است.

❖ ابتکار برای مخالفت با بازسازی نولیبرالی اقتصاد آمریکای لاتین که در طرح های مختلف امپریالیستی نظیر «الکا» و «طرح کلمبیا» تظاهر یافته اند. هدف این طرح ها مواجهه با هرگونه مقاومت اجتماعی، منزوی کردن و نابودی جنبش چریکی در کلمبیا، و سرنگون کردن دولت قانونی و دموکراتیک در جمهوری بولیواری ونزوئلا است.

❖ کارزار های مخالفت با طرح های ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای به انقیاد آوردن کشورهای عربی (مراکش و صحرای غربی)

❖ اتخاذ ابتکار های فعال برای هماهنگ کردن عمل مشخص احزاب مان بر ضد «جهانی شدن» سرمایه داری، با در نظر گرفتن جنبش های جدید و رشد یابنده بر ضد سیاست های دول امپریالیستی و کمپانی های فراملی.

شرکت کنندگان همچنین نیاز به ادامه جلسات احزاب کمونیستی - کارگری و افزایش آن ها را، و بطور همزمان اهمیت برگزاری جلسات بین المللی و همچنین در سطح مناطق را در میان احزاب برادر در باره موضوعات مورد علاقه مورد تاکید قرار دادند.

همچنین ایده برگزاری جلسات احزاب کمونیست کارگری در رابطه و به موازات جلسات بین المللی به منظور بررسی جمعی تر و وسیعتر پیشنهادات و دستیابی به نظرات و مواضع مشترک مورد توجه قرار گرفت.

همچنین مورد تاکید قرار گرفت که نیاز به حضور، مشاوره و همکاری مشخص احزاب کمونیست - کارگری، سیاستی با نتیجه مثبت، در تضاد با هماهنگی و عمل مشترک جبهه وسیع تر نیروهای دموکراتیک، ضد امپریالیست، ضد انحصاری و میهن پرست و همچنین جنبش متنوع مبارزه با «جهانی شدن» قرار ندارد.

مسئله اهمیت گسترش بحث و تبادل نظر میان احزاب، به موازات توسعه توضیحات تئوریک در مورد تغییر جامعه و امکان سوسیالیسم در تحت شرایط کنونی، مورد توجه کنفرانس قرار گرفت.

شرکت کنندگان همچنین نیاز به مستحکم کردن همبستگی بین المللی احزاب مان با کمونیست ها و همه خلق ها و احزاب ترقیخواهی که در معرض تعقیب و سرکوب هستند و فعالیت شان غیرقانونی اعلام شده، و فراتر از این، نیاز به همبستگی در عمل بر ضد تبعیضات ضد دموکراتیک و مقررات ارتجاعی در رابطه با حقوق و آزادی های دموکراتیک، را مورد تاکید قرار دادند.

کنفرانس گروه ۸

نشست سالانه گروه ۸ امسال در روزهای ۵ و ۶ تیرماه در منطقه دور از دسترسی در ایالت آلبرتای کانادا با حضور سران کشورهای ایالات متحده، آلمان، انگلستان، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و روسیه برگزار شد. در این نشست روسیه به عضویت کامل این گروه پذیرفته شد و بر این اساس بود که «گروه ۷+۱» رسماً به «گروه ۸» تغییر نام داد. نشست امسال که به مدت نه ماه برای آن برنامه ریزی شده بود، بیش از پانصد میلیون دلار برای مالیات دهندگان کانادایی خرج برداشت. این در حالی است که تنها به علت کمبود بودجه ۹۰ میلیون دلاری سیستم آموزشی تورنتو (در ایالت انتاریو)، گردانندگان مدارس و ادار به حذف بسیاری از مواد درسی و خدمات آموزشی - تربیتی شده اند.

به بهانه رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر و در اصل از هراس تظاهرات اعتراضی مردم، آن طور که در سال های اخیر در جنوا، کوبک، سیاتل روی داد، برگزار کنندگان نشست امسال علاوه بر انتخاب محل گردهمایی در منطقه ای دور افتاده، با صرف هزینه ای بیشتر از سیصد میلیون دلار و به کارگیری هزاران پلیس و نیروهای انتظامی، و استفاده از تانک و موشک های ضد هوایی، وسیعترین عملیات امنیتی تاریخ کانادا در زمان صلح را برنامه ریزی و اجرا کردند.

از جمله مهمترین موضوع هایی که در این نشست مطرح شد می توان به طرح جورج بوش در ارتباط با ایجاد يك «کشور فلسطینی دوران گذار»، و نیز موضوع مبارزه با تروریسم و بالاخره به کمک های اقتصادی به کشورهای آفریقایی اشاره کرد.

طرح جورج بوش در ارتباط با کشور فلسطینی، که تنها چند روز پیش از برگزاری نشست «گروه ۸» اعلام شده بود، با خودداری از پذیرفتن یاسر عرفات به عنوان رهبر منتخب مردم فلسطین، ایجاد کشور فلسطینی را مشروط می کند به تغییر کادر رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، و رهبری مردم فلسطین به طور کلی. به رغم تلاش و اعمال فشار جورج بوش، این طرح مورد پذیرش دیگر شرکت کنندگان قرار نگرفت. جالب این بود که حتی تونی بلیر، نخست وزیر انگلستان، که از نزدیکترین متحدان و حامیان جورج بوش است، ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه، هم حاضر به حمایت از طرح جورج بوش نشدند و خواستار تعیین رهبری فلسطین توسط خود مردم فلسطین شدند. بعید نیست که این تقابل ها سر آغاز موضع گیری های سیاسی جدیدی باشد در برابر فشار های آمریکا. در ارتباط با موضوع مبارزه با تروریسم، که جورج بوش نیروی محرکه اصلی آن بود، توافقنامه ای در راستای ایمنی ترابری و مسافرت های هوایی توسط سران هشت کشور به امضاء رسید. بر طبق این توافقنامه، سران این کشورها متعهد شدند که تا پایان سال جاری میلادی، آئیننامه های اجرایی مربوط به ایمنی سفر های هوایی را تنظیم کنند و به اجرا بگذارند.

در این نشست همچنین موضوع فقر و توسعه آفریقا مورد بحث قرار گرفت، که در نتیجه معافیت بدهی فقیرترین کشورهای جهان يك میلیارد دلار افزایش داده شد. قابل توجه است که این افزایش يك میلیاردی معافیت بدهی ها، در برابر کاهش قیمت مواد خام و کشاورزی، به خصوص قهوه، کوچکترین تاثیری در بهبود اوضاع اقتصادی این کشورها نخواهد داشت و به نظر میرسد هدف از طرح آن صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته باشد. در این اجلاس پنج تن از رهبران کشورهای آفریقایی، از جمله «تابو مباکی» رئیس جمهور آفریقای

جنوبی نیز شرکت داشتند تا طرح مشارکت برای توسعه و همکاری با کشورهای آفریقایی را اعلام کنند، مطرح شد که اجلاس سران «گروه ۸» با اتخاذ يك سری تصمیم های نمایشی و دادن وعده های پوچ رهبران آفریقایی را در عمل با دست خالی راهی کشورهایشان کرد. بر رغم تبلیغات فراوانی که در رسانه های گروهی غربی در مورد «کمک» به کشورهای آفریقایی برای کاهش فقر و توسعه اقتصادی آنها صورت گرفت، بسیاری از پیشنهادات سازنده سازمان های مبارزه با فقر و همیاری با مردم آفریقا با بی توجهی روبرو شد.

کشور های آفریقایی لزوم ارائه کمکی به میزان ۶۴ میلیارد دلار به منظور حل ریشه بی مساله فقر در این قاره اعلام کرده اند، اما در عمل سران «گروه ۸» در اجلاس خود با قبول وعده کمک يك میلیارد دلاری و قول گسترش «تجارت آزاد» به عنوان راه حل معضلات آفریقا از برداشتن قدمی واقعی در این جهت خودداری کرد. «آشوک سینها» هم آهنگ کننده برنامه های تبلیغاتی برای آفریقا گفت: «این نمی تواند مرحلهی بر بیماری مزمن و سرسختی باشد که کشورهای آفریقایی از آن رنج می برند.»

اودر مورد پیشنهاد به تعویق انداختن يك میلیارد دلار باز پرداخت بدهی کشورهای به مدت يك سال گفت که این امر هیچ کمکی در مورد کمتر شدن بدهی های کشورهای آفریقایی نمی کند و آنها را در شرایطی قرار می دهد که يك سال پیش بوده اند و اینکه به هدف نهایی که لغو کامل بدهی های این کشورها، که مقروض ترین کشورهای جهان هستند، یاری نخواهد رساند تا بتوانند خود را از فقر مطلق نجات دهند.

واقعیت تلخ آن است که هر ساله صدها هزار نفر به علت فقر و بحران به دامن مرگ کشیده می شوند و این روند تا زمانی که کشورهای ثروتمند جهان با کمک های همه جانبه و غیر مشروط و لغو بدهی ها به آن ها یاری نرسانند، همچنان ادامه خواهد یافت.

از دیگر موضوع های مورد بحث در نشست اخیر «گروه ۸» موضوع خنثی سازی مازاد پلوتونیوم نظامی روسیه بود که منجر به امضای توافقنامه ای از سوی سران کشورهای حاضر شد. بر اساس این توافقنامه، ایالات متحده تقبل کرد که به میزان ده میلیارد دلار و بقیه کشورهای عضو گروه ۸ نیز در مجموع ده میلیارد دلار برای خنثی سازی مازاد پلوتونیوم روسیه به این کشور کمک کنند.

از موضوع های مهمی که جورج بوش را مجبور به پاسخگویی و جبهه گیری کرد، اخبار مربوط به گستردگی فساد مالی شرکت های بزرگ آمریکایی، از جمله «ورلد کام» و زیراکس بود. موضع گیری علنی جورج بوش در حمایت از این شرکت های بزرگ را باید شکست مفتضحانه بی برای ایدئولوژی نولیبرالی و قربانی کردن همه چیز در پای بازار آزاد ارزیابی کرد.

و اما در سوی دیگر دیوار های نشست سران هشت کشور، و به رغم تدابیر شدید امنیتی دولت کانادا در سراسر کشور، و از جمله برقراری محدودیت های متعدد در راه برگزاری گردهمایی ها و راه پیمایی های اعتراضی، بسیاری از گروه ها و سازمان های مردمی، با تلاشی بی وقفه و با برنامه ریزی های قبلی، توانستند به موازات نشست گروه ۸، راه پیمایی ها و گردهمایی های وسیعی را در شهر های مختلف کانادا و از جمله در کالگری، اتاوا، ونکوور و تورونتو سازماندهی کنند. در قطعنامه پایانی گردهما بی ای که در شهر کلگری به مدت چهار روز و با حضور ۱۲۰۰ نماینده، به نام «نشست ملت های جهان» برگزار شد، شرکت کنندگان از سران گروه ۸ خواستند که در عوض توجه بیشتر به منافع صاحبان شرکت های بزرگ، مسائل جاری بشریت را مورد توجه اصلی قرار دهند و بخصوص در ارتباط با بیماری ایدز در آفریقا و امضای توافقنامه کیوتو (در مورد حفظ محیط زیست) اقدام فوری به عمل آورند. در یکی از تظاهرات اعتراضی، تظاهر کنندگان خواستار تحریم شرکت هایی مانند «گپ» شدند که با اجیر کردن علنی کودکان در کارگاه های تولیدی شان، حد و مرزی برای استثمار نمی شناسند.



رفیق آلکا پاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان، به هنگام سخنرانی در کنفرانس

ها، هم به لحاظ محتوای غنی و هم به خاطر زوایای دید آنها در طرح مسائل و جزئیات مربوط به مبارزه کشورهای مختلف حاوی درس های مهمی اند که آشنایی با آنها و آموختن مهم ترین آنها برای فعالین جنبش کارگری ضروری است.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزبمان در بحث های اصلی کنفرانس شرکت فعال داشت و در دومین روز کنفرانس با ارائه تحلیل حزب توده ایران از اوضاع جهان، بر پایه تحلیل پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در دی ماه ۱۳۸۰، به توضیح همه جانبه و جوه اصلی آن در رابطه با تحولات مبین پرداخت.

نماینده حزب مان در سخنرانی خود خاطر نشان کرد: «رخداد های تراژیک ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در سیاست جهان در دوره کنونی محسوب می شود. در ابتدا موجی از مخالفت با تروریسم و تعصبات مذهبی را در جهان برانگیخت اما در ادامه شرایط را برای دامن زدن به یک تهاجم وسیع بر ضد نیروهای مترقی و دستاوردهای مبارزاتی زحمتکشان ایجاد کرد. این حملات فقط ایالات متحده را هدف نگرفته بودند، بلکه برای برانگیختن یک پاسخ بین المللی طرح ریزی شده بودند...» نماینده رهبری حزب توده ایران پس از اشاره به عواقب مخرب و منفی نتیجه از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر و شرایط حاد، حساس و خطرناک در منطقه گفت: «هیچ توجیهی برای دفاع از آنانی که مسبب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر می باشند، وجود ندارد. ما معتقدیم که پیگرد آن هایی که در قتل عام نیویورک مجرم هستند نیازمند یک عملکرد هوشمندانه و ظریف بر پایه قوانین بین المللی و نه قانون اسلحه است.»

نماینده حزب توده ایران اشاره کرد که «در ماه های پس از ۱۱ سپتامبر ایالات متحده و برخی از نزدیک ترین متحدان آن با اعمال نفوذ و جهت دادن به روند تحولات جهان سعی در تحکیم هژمونی امپریالیستی کرده اند. حمایت از تهاجم خونین دولت اسرائیل بر ضد حقوق پایه ای مردم فلسطین، عملیات و طرح های آشکار و پنهان بر ضد عراق، بیرون آمدن ایالات متحده از موافقتنامه کیوتو (در رابطه با کنترل میزان گازهای صنعتی زیان آور برای محیط زیست)، نقض و لغو نهایی موافقتنامه مهم در رابطه با منع تولید موشک های ضد بالیستیک و شروع پروژه «جنگ ستارگان» (سیستم دفاع موشکی سراسری)، همه اکنون زیر لوای «جنگ بر ضد تروریسم» توجیه می شوند.»

نماینده کمیته مرکزی حزب مان هدف استراتژیک ایالات متحده در منطقه را متوجه تامین و تضمین دسترسی بلامنازع این کشور به منابع نفتی خلیج فارس و منطقه دریای خزر و ایجاد شرایط ضرور برای انتقال کم خرج و ایمن آن به بازار های انرژی جهان دانست. او با اشاره به ائتلاف جدید بین روسیه، آذربایجان و قزاقستان در رابطه با تقسیم منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر، تغییر کیفی موضع فدراسیون روسیه را در ماه های اخیر و بدنبال ایجاد «شورای روسیه-ناتو» و تبعات آن در رابطه با سیاست های منطقه ای ایالات متحده را مورد توجه قرار داد. او اضافه کرد: «پس از ۱۱ سپتامبر برای اولین بار در دوران مدرن نیروهای نظامی آمریکایی در ازبکستان مستقر شده اند، این نیروها به ترکمنستان و البته خود افغانستان هم دسترسی دارند. «جنگ بر ضد تروریسم» این بهانه را برای ایالات متحده فراهم می کند که حملات نظامی به کشورهای دیگری را در منطقه سازمان دهد.»

ادامه در صفحه ۵

ادامه رویارویی با توطئه های امپریالیسم...

۳۰ خردادماه تا ۲ تیرماه، در آتن، به بحث و مشورت با هیئت های رهبری احزاب کمونیست و ترقی خواه جهان نشست. در این اجلاس که ۶۲ حزب کمونیستی - کارگری از تمامی پنج قاره جهان در آن شرکت داشتند، مسأله محوری اوضاع جهان در دوره پس از حمله تروریستی دهشتناک در ۱۱ سپتامبر به «مرکز تجارت جهانی» و ضرورت بسیج نیروهای مدافع صلح و مخالف نظامی شدن و همچنین توسعه قانونمند روند هماهنگی و همکاری گردان های متنوع جنبش ترقیخواهی و مخالفت با «جهانی شدن» سرمایه داری مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

بحث های کنفرانس با سخنرانی رفیق آلکا پاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان آغاز شد. رهبر حزب برادر در آغاز با توضیح اهمیت دستاورد های جلسات و گردهمایی های نیروهای ترقی خواه در ماه های اخیر از جمله به گردهمایی احزاب کمونیست منطقه خاورمیانه و حاشیه مدیترانه و دریای سرخ در ژانویه، جلسه احزاب کمونیست در مونته ویدئو، پایتخت اوروگوئه، در ماه آوریل در رابطه با کوشش بسیار مثبت برای بررسی و اتخاذ موضع در قبال مسائل مطروحه در گردهمایی های «ساتوپولو» و «پورتوالگرو»، جلسه گردهمایی «ساتوپولو» در کوبا، برگزاری جلسه در مورد مبارزه مردم کلمبیا در پایتخت مکزیک، و اجلاس بین المللی همبستگی با مردم فلسطین که در آوریل در قبرس برگزار شد، اشاره کرد. رفیق پاریگا آنگاه مشخصه های اصلی اوضاع جهان در دوره پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را در قالب مقولات زیر مورد توضیح موشکافانه قرار داد:

- ❖ نقض پایه ای ترین حقوق و آزادی های انسانی؛
- ❖ مداخله نظامی و تهدید به استفاده از سلاح های هسته ای؛
- ❖ تشدید کمونیسم ستیزی؛

رفیق پاریگا آنگاه به توضیح تحلیل حزب کمونیست یونان در رابطه با این عرصه ها و لزوم تدارک پاسخگویی کمونیست ها به کارزار حساب شده کشورهای امپریالیستی پرداخت و مقولات «لزوم بین المللی شدن مبارزه» و «ضرورت هماهنگ کردن مبارزات نیروهای مترقی» را مورد توجه قرار داد. رفیق پاریگا در انتها به توضیح پیشنهاد های حزب کمونیست یونان برای هماهنگی موثرتر مبارزه احزاب کمونیست - کارگری پرداخت و با طرح ضرورت حضور مشخص احزاب کمونیست در کارزار های بین المللی و در چارچوب مبارزه بر ضد «جهانی شدن»، گفت: «ما می توانیم در این جهت فعالانه تر و دسته جمعی تر کار کنیم و از جمله می توانیم با:

الف- برگزاری جلسات منطقه ای احزاب کمونیست - کارگری مناطق، که در جریان آن موضوعات مشخص تری مورد تفحص قرار گیرد.

ب- سازمان دهی جلسات احزابمان در رابطه با گردهمایی ها و رخداد های بین المللی، مانند آنکه قبل از گردهمایی پورتو الگرو در مونته ویدئو برگزار شد

ج- سازمان دهی جلسات وسیع تر نیروهای ضد امپریالیستی - ضد انحصاری در مناطق؛ تلاش های خود را تشدید کنیم.

پس از سخنرانی رفیق پاریگا، هیئت های نمایندگی احزاب شرکت کننده به توضیح تحلیل احزاب متبوع خود در رابطه با تحولات جهان پس از ۱۱ سپتامبر و پیشنهادات خود برای مقابله با تهاجم همه جانبه امپریالیستی پرداختند. بسیاری از این تحلیل

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 638
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

9 July 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک